



رُوزنامه زمینی کشور شاهنشاهی ایران

شامل : متن فوانین - تصویب‌نامه‌ها - صدور مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
 سوالات - اخبار رسمی - فرمانی - انتصابات - آئین نامه‌ها - بخش نامه‌ها - کمی‌های رسمی

شماره تلفن : ۸۸۹۴ - ۸۸۹۵ - ۸۸۹۶

۱۳۲۶ آذر ماه ۱۲ شنبه

نیزه: سید محمد هاشمی

سال سوم - شماره ۸۱۲

صفه، ۲۳۲۹

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۵۲۴

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۳۲

صورت مژروح مذاکرات مجلس روزنامه شنبه دهم آذر ماه ۱۳۲۶

فهرست مطالب :

۱ - نطق قبل از دستور آفایان : تقی زاده ، آفاخان بختیار ، اردلان

۲ - موقع و دستور جلسه آینده - ختم جلسه

مجلس ساعت شش و ربع بعد از ظهر بریاست آفای رضا حکمت بعنوان بعد از تنفس تشکیل گردید.

۱ - نطق قبل از دستور آفایان : تقی زاده ، آفاخان بختیار ، اردلان

رئيس - این مطلب در خارج خودش تصحیح میشود. (صحیح است) . آفای تقی زاده .
تقی زاده - بطوریکه آفایان مسبوقند در چند جلسه قبل بنده عرايیضی حضور آفایان هر ض کردم تکرات و خجالاتی که برای بنده بیدامشود بهمان اندازه هم برای آفایان معلوم است که برای بنده معلوم است و کشف تازه ای نبود . فقط یك تندکراتی بود که خواستم در خدمت آفایان ازنطق قبل از دستور استفاده کنم البته یك قدری طولانی شد و شاید بیش از اندازه مصدع اوقات آفایان مستمع شده باشم نغصت عرايیضی دارم و در نظر داشتم در موقع مناسب بنظر آفایان بر سازم ولی چون میل دارم که عرايیض بنده نه تنها با اجازه آفایان بلکه کاملا با موافقت حقیقی و میل قلبی ایشان باشد هرایضی میکنم و بنده هبیوقوت اصراری ندارم ، مایل باشند هر ض میکنم کار فوتی باشد میگذرد قصه داشتم آنوقت نه بلا فاصله در جلسه بعدش و یکی دو جلسه آینده اگر فرمتنی شد ولی در چند جلسه قبل فرستنی نشد و یکی از همکاران ما فوت کردن لاشه بودجه آمدواين خبر هاشد یکقدرتی تأخیر یافت

۱۰۱ - آنست که هر کس بخواهد نطقی کند بایست از رئيس اجازه بخواهد . ۱۲۹ هم راجع بافتتاح جلسات و حفظ ترتیب نطق و مذاکرات است که با رئيس مجلس نداریم . آفای تقی زاده .

کشاورز صدر - صحیح است ولی بنده بخواهم توضیعی عرض کنم .

رئيس - این دیگر توضیح ندارد .

کشاورز صدر - حالا میفرمایید عرضی نکنم بسیار خوب مرضی نمیکنم ولی اگر اجازه میفرمایید

بنده تند کرم را میدادم تند کر بنده قانونی و بجا بود و صورت دارد برای انتظامات مجلس .

رئيس - راجع بجلسه بیش که بنده حاضر نبودم میخواهید بفرمائید ؟

کشاورز صدر - بلی .

رئيس - جلسه پیش وقتی که میخواستیم لایحه فرهنگ را مطرح کنیم اکثریت نشد (صحیح است) و مجلس بعنوان تنفس تعطیل شد بنابراین حالا صورت جلسه نداریم . آفای تقی زاده .

کشاورز صدر - بنده اخطار نظامنامه ای دارم .

رئيس - طبق چه ماده ای ؟

کشاورز صدر - طبق ماده ۱۰۲ ، ۱۰۰ ، ۱۰۱

رئيس - شماره هائی که گفتید چیست ؟

کشاورز صدر - ۱۰۶ ، ۱۰۲ ، ۱۰۰

رئيس - اینها راجع بوظایف رئیس است .

● مبنی بقیه مذاکرات مژروح می‌دانند از دوره پانزدهم قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

نمایند ولی بشرط آنکه حق جانشین او ایرانی ترو با کفایت ترو با تدبیر و دادا تر و از هه هم تم محبوب تر در آن ولايت بین عامه و خورده پا باشد این نکته که عرض سکردم مخصوص بازدرا یاجان یا کردستان یا خوزستان نیست بلکه چون بنده و کبیل اصفهان و کرمان و یزد و کرمانشاه وبالجمله همه ایران هم هستم همین نوع معامله را برای اصفهان و کرمان و فیروزما نیز می خواهم منتهی چون هم و کبیل تبریز هستم و هم تبریز بشتر بال خبر بوده مخصوصاً نسبت با آنجا بستگی دارد بالارفتن قیمت اوازم زندگی است مثلاً تحمیل

این جمله که ذکر شد برای اصلی خودم و ادای شمه‌ای از حق و کماله کافی است و حالا باید میگردم بعده لازمه هدومی مملکت.

در جلسه قبل از اوضاع عمومی و حال اسفناک خبقه فقیر و محکوم ملت حرف زدم ولی گمان ندارم بقدر کافی ادای حق مطلب را کرده باشم، زندگی مردم فقیر جنوب شهر طهران و حتی مردم هلیل و فقیر یا زی دیوارهای معابر و دکانین سیرابی و جگرگ خوری و کله بزی و قجهوه خانههای شمال شهر همه روزه در جلو چشم همه حاضرین است لکن از آنچه شنیده‌ام میدانم که حال مخلوق کم مایه داشت مغان و دشتی و دشتستان و بندر عباسی و لشگه و میناب و لار و مسنتی و طبس و تون (که باقی‌بر اسم بفردوس برداخ هم نشده) و کرمان و بمپور (با باز تغییر اسم قصبه)

که هلا عرض میکنیم نیست و البته اونچا عومی اقصایی عالم، فحطمی، اسماز خازم، و حندو، هلت ده مرتبه بدتر است و بدون قصد اهانتی بآنها از زندگی حیوانات باربر بهتر نیست. قسمت عمده ای

از این ذلت و فقر مغلول مستقیم تحميلات شاشه دولتی (صحیح است) زندگی تجمیلاتی مسرفین است و بقول شاعر ملی ادوار مشروطیت «حشت محنتشمان مایه هرک فقرا است» (صحیح است) در طهران همیشه صحبت از میلیون و هزارها توان است و در دهات و قصبات از قران و شاهی، مردم حقیقی مملکت و عمل آور نده ها زیر بار تحميلات و عوارض کمر شکن قاتوئی یا غیر مشروع له شده اند مسکرات و ورق گنجفه و خانه های فرنگی مآب و سگهای خانه و تجهیلات گونا گون مالیات کافی ندارد و حتماً میتوان چندین برابر کرد لکن یکجیه قند و یک متفاصل چانی و یک چیز توون وسطویست و یک سیر گوشت و یک چارک نان تفتان جو و یک بیمانه نفت سوت و روشنائی خورد حاجت بینوایان بانواع و اقسام تحميلاتی معروض است که زندگی فقراء را چندین برابر بالا میرد (صحیح است) ترقی قیمت های خواجی ضروری زندگی و گرانی هم چیز از بادنجان و خربزه تا چفتدر و یا از افلام در قسمتی معتمد به ناشی از اینست که دولت از همه چیز بصدق عنوان عوارض میگیرد اگر خربزه گران است برای اینست که باید آن را بمیدان مخصوصی برد و فروخت و نظمیه مانع از فروش آزاد است و در دم دروازه ها و میدان ها هزار نوع تحميلات و فلق از آن گرفته میشود شخصی که معروف اغلب آقایان است زمینی در زندگی با جایز خربزه دارد اخیراً مشارالیه بمحل رفته و خربزه های خود را یکان یکان شرده و دیده ده هزار خربزه دارد و وقتیکه با فروش بیان آمد هم حاضر بوده همه آنها را از بزرگ و کوچک از قرار دانه پنجه قران

تعریفات و تعارف‌هایی که مبالغه آمیز را که همه طهرانی و سایر ولایات در باره‌آذربایجان با مجتبی بیان کرده و مینویسند چون خود از این ایالت هستم نمیتوانم و مقتضی ادب نیست که اشتراک‌کنم و خانه خود را در محله و میان اهالی سروتاج جمله بخوانم نه خیر بهام یکی از این کوچک‌لک وفادار شما هستیم ولی همه تصمیق که ولایت ما بجهاتی چند که یاد بعضی از آنها نداشتیم و تلخ است مستحق توجه زیادی است (صحیح و تلخ است) باشند و برخلاف قانون بعداز گذشتین سن قانونی باغفال وارد چرگه شما همکاران محترم نشده‌اند (صحیح است) بلی جوان وغیر معروف در گوشة مجلس بودم در همان اوایل روزی رئیس محترم مجلس که از بزرگان رجال مملکت و مسن و محترم بود یعنی مر حوم صنیع الدوله که اوصاف حمیده او محتاج به بیان من نیست از بنده تقدیماً کرد ایشان را بعداز ختم مجلس چند دقیقه بهیم من بدوان تعجب کرده و نمیتوانستم حدس بزم یامن چکاری دارد وقتیکه نزد او رفتم گفت آقایان و کلا داعمًا شکایت دارند که نطق‌های آنان درست نش نمیشود و تحریف و تغییراتی در آنها راه می‌باید و چون دستگاه تنظیم کننده مجلس شکل ابتدائی را هنوز دارد می‌خواهم از شما که اهل قلم و نویسنده هستید خواهش کنم که توجهی دقیق بنتها بگنید و بعد تند نویسها بیش شما بیانند و صورت‌مند کرایی را که ثبت کرده‌اند شان بدهند و اگر اختلاف و اشتباہی باقی‌می‌گذارد اصلاح بفرمایند بنده امتناعی نکرده و محن ادب اجابت نمودم لکن از اظهار تعجب خود داری نتوانستم که چطور شده این قرعه را بنام من غریب زده‌اند و بقول معروف از میان پیغمبران جرجیس را انتخاب کرده‌اند ایشان گفتند بلی سبب اینست که شما از خارج آمدید و احتمال غرض و خوب و بغضی نسبت باین و آن در شما نمی‌رود ولی این آقایان همه اهل یک‌پایتند و سوء‌ظن نصرف عینی در نطق همیگر توانند کرد لازم نیست که عرض کنم که چون بنده قصد اشتراک درمذاکرات و مباحثات مجلس داشتم این کارایش از یکی دو جلسه نکردم و محوال بر حوم و کیل الرعایا شد خواستم عرض کنم که حالا هم بنده از خارج می‌آیم و اقل چیزیکه می‌توانم در حق خود بطور قطعی بگویم اینست که غرضی با کسی ندارم (صحیح است) و اخلاص من بهمه آقایان همکاران یکی است و با دیگران نیز حب و بغض مخصوصی ندارم و گمان می‌کنم منشاء مقداری از لطف و محبت آقایان که مسأله کردم نیز همین نکته است که چون نظر دوستانه در کار باشد گرهنی داری و هفتاد عیب دوست نمی‌بیند بجز آن یک‌هنر در این موضوع کم و بیش شخصی شاید بیش از اتفاق است) و خونشان می‌جوشد. اگر اجازه بفرماییدیک مثل یا مثال کوچکی عرض می‌کنم در اوایل مجلس اول بنده دومن و کیل ولایات بودم که از خارج وارد مجلس شدم (اولی مر حوم مبرور و کیل الرعایا) همانی بادش بخیز بود) بنده که خیلی جوان بودم و بحسب قدری تازه پایین سی گذاشته بودم یعنی ۲۹ را احکمال کرده بوده در گوشه ای از مجلس نشستم و مثل حالا اوین نطق خودم را در هشتمین جلسه بعد از ورود کردم اگر حاشیه رفتن جایز باشد برای دفع بعضی شباهات که گاهی لاید از روی فستیح و سفر صورتی در اینجا و در خارج ذکر شده بود در پیش از

نهاده و مضار آنها بر منافع میهماند و نیاز ایجاد هر گونه ادارات جدیده و خرج جدیده واستخدام جدید مطلاقاً حتی یک نفر و ساختمانها و بناءهای جدید غیر لازم و تعجیلی و خرد متعجب سفارتخانه ادرخارجه و تأسیس شرکتها و بانکها و مؤسسات گوناگون و مخصوصاً فرستادن هوسکاران با نوع اعنة از اینها بخارجه و تسریع و افراط در زمانه دادن و ترفیع رتبه مستخدمین همچنان مطلق نمایند و بعضی ادارات بینایه دار مانند تبلیغات و نظایر آن که عمل لغوی پیش نیست منحل گند و از ایجاد تجمیلات و مالیاتهای جدید غیر مستقیم و مراحم فقراء پرهیز کامل نمایند ، بلی اگر این کارها که محتاج بقدرت زیادی نیست (و مخصوصاً مطالبی عرض کردم که محتاج قدرت زیاد و اقدامات اصلاحی ریشه کن نباشد) بعمل یاورده ما رفاه حال فقرای مملکت شده ایم و واضح است که مستمر او مرتبآ و دائمآ هم باید مراقب تقلیل مخارج موجود و تعدیل مالیاتها بوده و بی آن کار گرفته شود (صحیح است) البته برای اقدامات عمرانی و اصلاحی حقیقی مانند آبیاری و ماشین آلات زراعتی و تزیین چنگل و اصلاح اجناس صادراتی و نظایر این امور نیز باید نقشه ای در حدود توانائی مملکت طرح ریزی نموده برای مخارج آن قسمتی از منابع هایدات غیر مالیاتی را تخصیص داد ولی باز باید تکرار کنم که جلوگیری از اسرافات افراطی و جوه ملی و حتى مبارزه با اسرافات و تبدیرات تجملی افرادی اولین قدم است و در این زمینه قدمی از طبقات بالا تر مطلوب و مؤثر تر است این رویه تنها تقلید ممالک متعدد و ملل عاقل امروزی نیست بلکه بصیرت حکیمانه هفتصدالله حکیم جاودانی خودمان است که بجای استشهاد یا قول مسبوژول و مستر ادوارد در مورد حاجت بذکر حکم و اخلاق خوبست بکلام حکمت شعار سعدی تمثیل جوئیم که در واقع شمار یا باصلاح فرنگی « کلد » اخلاصی است که در باب لزوم فناعت طبقه بالا گفته و یقین دارم بسیاری از آقایان از بر میدانند .

شبیدم که فرماندهی دادگر قبا داشتی هر دوره آستر یکی گفتش ای خسرو نیکروز زدیلای چینی قبائل بدوز بگفت اینقدر ستر و آسایش است دز این بگذری زیب و آرایش است نه از بهر آن میستانم خراج که زینت کتم بر خود و تخت و تاج مراهمند صد کونه آزو و هوا است ولیکن خزینه نه تنها مرا است پتو دشمن خر روسانی بر مملکه باج و ده یک پرها بمحوره مخالف خرس برد و سلطان خراج چه اقبال ماند در آن تخت و تاج ؟ و در هوض این مستهدفات باز قول سعدی را کار بندیم که گفت بگو آنچه دانی که حق گفته به نه رشوه سانی و نه رشوه ده بلی ابتدا باید تجمیلات صافت فرما را از دوش فردا برداریم یعنی افلا معتقد کنیم و اسرافات را بطور فوق العاده اگرچه بتنمیج ویش کن سازیم و همچنین مملکت خود را از نیکش همراه طوعمند داشته باشند این لحظه تأمل اجمالی در گذشته برای سنجیدن این نکته کافی است مثلاً چندین سال مخارج جاری این مملکت و بلکه حتی قسمتی از مخارج انشا آتی هم بول دیگر بددت تو بدهم .

هزاید بسیاری از اشخاص با تجربه خواهند گفت که این نکات اگرچه صحیح است لکن عملی نبست زیرا که تغییر وضع فعلی بودجه و تقلیل مخارج خارج از قدرت دولت و حتی قدرت مجلس است تقلیل عده مستخدمین دولت و مؤسسات دیگر مملکتی ایجاد مسئله غامضی و شاید خطرناکی تواند کرد، تعطیل بخششی‌ها حق السکوت حکومت مملکت را متزلزل و اوضاع را منقلب و بدتر میکند و هکذا، بندۀ این ملاحظات را تصدیق دارم و اصراری در اصلاحات آنی و هنیف و تند ریشه‌کنی در زمان حکومت آنندام و چنانکه روز اول هرض تکردم من شخصاً اگر بیننم صد یک مقاصد معروضه که معطوف به تخفیف بار زندگی عامه ملت و تنزل دادن قیمت‌های خواج صروری است حاصل می‌شود و اساس سیاست دفع مخارج بی‌ازوم و کم ازوم و تخفیف تعیلات بسر فقر را مانند مبنی و وجهه سیاست مالی مملکت قبول داریم و مستمرآ سعی خواهیم کرد بتدویج روّا بآن مقصد برویم، خرسند خواهم شد که جزئی فایده‌ای از کار خودمان که در اینجا نشسته‌ایم حاصل میشود و اگر نه همانچه‌مامیخواهیم بگذاریم این جریان تراوید مخارج در همین راهی که می‌رود برود و آنچه حکومت میخواهد خرج احداث و روز بروز تزیید کند و از ما فقط تصویب است و بن‌حتی بدون آنکه از جزئیات آن آگاه شویم چنانکه از صورت اجمالی بودجه مملکتی که بر مجلس عرضه شده دیده میشود که فقط عنوانات کلی را مانند وزارت کار و تبلیغات و وزارت امورخارجه وغیره و رقم خرج مقابل هر کدام دارد و همین بودجه را چشم بسته تصویب باید بکنیم برای اینکه این مخارج را احداث کرده اند و صبر کنیم که باز علی الاتصال مخارج جدیدی احداث نموده باواحد آنها را برای مایاوردن و یا در بودجه آینده بگنجانند و روبرو جانب ممکوس مقصود سیر کنیم در آنصورت نمی‌کوییم وجود مجلس بلکه وجود حقیر بندۀ در اینجا جز اهانت برآنم و بر همه‌ده داشتن وزر و بوال فایده‌ای نخواهد داشت. گفتن اینکه دولت مشروطه و مجلس قدرت اصلاحی را که ملت حقیقی طالبند و ضرورت واجب برای رفاه آنها دارد فاقد است اعتراف بعیز و تسلیم بقوای شر و فساد و اهلان افلاس مشروطیت است و قوه‌که این افلاس مسلم شود خدای نخواسته مردم از این طریقه حکومت که مسلمان در صورت قدرت بالنسبة بهترین اشکال حکومت است نوبید و روگران عیشوند آنوقت جزو افراطیعنی استبداد خود پرستانه و منتفع پرستانه و بیانات و بی‌اعتباً بیل و درد ملت یا انقلاب خطرناک و کم بصیرت بی‌زمینه و زیاده رو راهی نمی‌ماند که باید برای احتراز از چنان افراطها توسل بخداند چویم که ورشی بنا و قدرتی بعکومت ملی بدهد که بتواند بداد مردم برسد و در رفاه آنها بکوشد. واضح است که اگر قوه اجرائیه از امروز دستاز ایجاد مصارف جدید که قطعاً در مقام انصاف و دیدن بدبده حقیقت با هر گونه محسناتی هم که داشته باشد خیر ضروری است بازدارد تصدیق نمایند که آن کارها باستثنای یک در صد اکر هم بایول مفت و تبعع شخص بسیار مطلوب تواند شد لکن با بخشیدن از گبه خلیه بعنی بواسطه تعییل بر فقرای ملت ضرورت قطعی درباب این هوس عمارت سازی ادارات و وزارتخانه‌ها و مؤسسات دیگر مملکتی میخواهم عرض کنم که تقلید نیویورک و شبکاً گو برای یا بیخت مردم جندق و انارک و بندر عباس و لشکه و مکران مثل بنای قصر هداد است در ربع خالی هرستان . دولت بلژیک یک بنای خلیل عظیمی برای عدلیه ساخته که معروف است و قصر عدالت نامیده میشود این بنا بقدرتی با عظمت است که وقتی جوان بودم در جراید و کتب خارج میخواندم که در مقام انتقاد مینوشتند این قصر باصطلاح معروف «برای دهن بلژیک پربرگ است» حالاً باین بنای‌های دولتی پر تجمل بی‌ازوم فرنگی مآب این مملکت که حتی صد یک ثروت بالفعل بلژیک را نهارد چه باید گفت؟ قزوین وقتی در زمان صفویه شهری معمور و بارونی بود و در آنجا مساجد و عمارتها سلطنتی نیز بنا شده بود حالاً نهادن وضع وحال آن شهر چگونه است (گنجیده) غراب است) لکن در چند مرتبه که سابقاً از آنجا عبور کردم آن شهر دارالسلطنه بدشت را بیر از افواج گدایان معابر دیده بود که مثل معدن گدا بود (اگرچه حالاً امبدوارم بهتر شده باشد) حالاً اگر فی‌المثل کسی جنون اسراف یا جنون تمدن و تقلید او از شهر و فرنگی مآبی بگیرد و دیگر خانه‌ای نظیر او برای پاریس که در دنیا کم نظیر است در آن دارالسلطنه بنا کند آیا در نظر علای خارجیان که از آنجا هبور کنند ولایت از مشاهده عظمت بنا پس از هبور از صفوی گدایان بینوا حظی هم بیرون آن اوپرای باعث سر بلندی و آبرومندی ایران خواهد بود یا موجب مسخره وطن و انتقاد بوده و باعث آن میشود که بما چنان نظر کنند که آن مردی که بنابر تشبیه که دویست سال قبل کرده شده بود شلوار وزیر شلواری نداشت و بحال عربان یک کلام پوست بخارانی پنجاه تومانی آنوقت بسر گذاشته و در خیابانها راه میرفت . این اسرافات مخصوصاً پیشتر مردود باید باشد برای اینکه همه لوازم تجمل این همارات و تأسیسات پاریس آما و اثایه نیویورکی از بیچ و مهره تازنک اخبار وغیره وغیره وغیره از خارج وارد میشود و چند خروار کتیا و بر که زردآل صادره از مملکت جواب این تجملات را نبینه (صحیح است) و در واقع فی‌المثل شیوه بدرست کردن یک استخر بزرگ بافواده ها در مونت کارلو از آلبیموی شیاز است . خوب میدانم و متوجه هستم که مآل آنچه تاکنون هرض کردم عبارت از اصلاحات منفی یعنی حذف و تقلیل و نسخ و فسخ کارهای ناچق موجود بوده و نکته سنجان توانده گفت که پس از این بیشنهادهای نفی یک بیشنهاد اثباتی نیز بکنید (صحیح است) و بتغیر اکتفا ننموده در زمینه بنا چیزی بکویید مسلم است که این نکته صحیح است و فقط نسخ و حذف کافی بوده و اصلاحات منحصر باین کارها نیست و بلا شک اصلاحات مثبت دستور جامع و وسیعی لازم دارد و بندۀ نیز بهم خود آنچه پناظر قاصر مباید اگر قدری در نظر همکاران محترم داشته باشد عرض خواهم کرد ولی اگر از اسرافات و تجملات نارو شروع کردم فقط برای عرض یک قسمت از نفائص زننده نظر بود و نیز در زمینه که بنا باید کرد نخست سطحی دفع خاکروبه و گناهات واجب اولی است البته بعضی و

مذاکرات مجلس

سال سوم شماره

شاهدایشت و حتی اغلب آفایان که در زمان مشروطه
و آزادی‌خواهی بوده اند میدانند این شخص یکی
از سران آزادی‌خواهی بوده و پیر مرد ۸۰ ساله است
خانه این مرد را غارت کرده اند و خود ایشان را
گرفته‌اند «اینها هم تصریحی نداشته اند جز شکایت
و تظلمی که کرده اند» آفایان نماینده‌گان امروز
ایل بختیاری با چشم‌های وحشت زده و منتظر باخزین
امید خود یعنی مجلس شورای ملی نگاه میکنند و
انتظار دارند که آفایان نماینده‌گان علاجی برای
دردهای پیشمار آنها و رفع ظلم و ستم از آنها بگذند
واگر این امید تبدیل بیأس شود و خود مردم آنجا
برای احراق خود دست باقداماتی بزنند مسئولیتی
متوجه آنها نخواهد بود (صحیح است) من صریحاً
اینجا در پیشگاه نماینده‌گان ملت اعلام خطر میکنم
مسئول هر نوع اتفاق سوئی که در بختیاری روی دهد
دولت خواهد بود، من فرستاد ابوالقاسم را بر مادری
بختیاری وبا مأمور کردن هر کسی مثل او را بهر
خدمتی جرم میدانم (صحیح است) و با ایل بختیاری
اعلام میکنم که من شرکتی در این جرم ندارم،
تا آنچه‌ایکه بنده اطلاع دارم قوانینی که تابحال از
مجلس شورای ملی گذشته اغلب مفید و بنفع مردم
وملت ایران بوده ولی آفایان بایستی متوجه باشند
که تنها قانون وضع کردن کافی نیست بلکه نظارت
دراجرای آن مهمتر است (صحیح است) بنابراین و
برای ثبوت هرایش خود بطوریکه مردم بختیاری
هم تقاضا دارند پیشنهاد میکنم مجلس شورای ملی
چند نفر از آفایان نماینده‌گان و مأمور کند که باوضاع
بختیاری در محل رسیدگی نموده و ثابت نمایند تاچه
حد امراضات اینجانب و اهالی بختیاری بجا است
(صحیح است، بسیار خوب) و ضمناً با مشاهده وضع
محل و مردم از خواب سنگینی که ما دچار آن شده‌ایم
پیدار شده و تا فرست هست علاجی برای دردهای
مردم بکنیم، در ذاته عرايضم مدتهاست راجع
با ازام غيرقانونی آفای ابوالقاسم خان بفرمانداری
بختیاری از دولت سوال شده و تباحال برای جواب
حاضر نشده‌اند من با انتظار اینکه دولت سریعاً باقی
ویروندهای این شخص رسیدگی و شر اورا هرچه
زو در از سر اهالی پریشان چهار معال و بختیاری
بکنند می‌آمیم و بعد برای انجام آخرین وظیفه نماینده‌گی
دولت را برای این قبیل خلاف کاریها استیضاح خواهم
نمود (صحیح است) و از شما نماینده‌گان صالح مجلس
شورای ملی انتظار و امید بسته‌بانی دارم (صحیح
است، احسنت).

رؤیس - آفایان بیرون تشریف نبرند چند
کراوش مربوط بمرخصی هاست.

پژوین - نفس بدیده تاعده کافی شود.

رؤیس - کاری که انجام نشده تائنفس داده
شود و اگر عده برای مذاکره کافی شود برای رأی
کافی نغواهد شد اجازه بدیده آفای اردلان صحبت
خود را بگذند آفای اردلان بفرمائید.

اردلان - اتفاقاً بنده خیلی طرفدار نطقه‌ای
قبل از دستور هستم و معتقد بیاش که آفایان نماینده‌گان
تشریف داشته باشد و هر مطلبی دارند تا هر ساعتی
از شب شده بنشینیم و حرفهای یکدیگر را گوش بدهیم
و بالاخره راه حلی برای مشکلات مملکت ییدا کنیم

مرتضی قلی خان که مسلمان از سران آزادی و مجاهدین مشروطیت بوده (صحیح است) بدون گناه و جرمی با فرزند انشان توفیق نهاد و همین آقای ایلخان امیر جنگ و منوجهر اسعد هم در منزل خودشان در تهران تحت نظر قرار گرفتند تمام این اقدامات برای این بود که آقای ابوالقاسم خان بتواند یکه و تنها در بختیاری نظریات سپاسی و مادی طرفداران تهرانی خود را با فراغت خاطر عملی کند (محمد علی مسعودی — این نظر مظفر فیروز بود) تا امروز معلوم نشده که علت توفیق غیر قانونی این آفایان چه بوده و چرا دولت پرونده آنرا بجزیان نمیگذارد تا حقایق برهمه روشن شود ولی آنرا پرونده در مسافت است باری آقای ابوالقاسم خان در این مدت فرمانداری رفتاری باخوانده خودو ایل بختیاری و اهالی چهار محال نمود که بیشتر دار فاتحی باید مشت مردم غلوب نمیکند (صحیح است) تمام پرونده هائی که آقای دکتر اعتبار آن اشاره کردند متأسفانه وجود دارد و من از بی علاقگی که دادستان دیوان کیفر باین امر نشان میدهد مبهوتم خلاصه پس از مذاکرات و اقدامات و تظاهرات بی حد و چصری که مردم در تهران و محل نمودند آقای فرماندار احضار شدند ولی از همان روز اول آقای نخست وزیر فرمودند که تعویض آقای ابوالقاسم خان غیر ممکن است شما بایستی باهم توافق کنید و راه حنی پیدا کنید . بعد از مذاکرات مفصل و کمیسیون هائی که چندین ماه بطول انجامید آقای نخست وزیر تظاهر بر رضایت کردند که ترتیب دیگری برای این کار داده شود . در خلال این مدت پیشنهاداتی بخود من هم شد که از نمایندگی استعفا بدhem و فرماندار بختیاری بشوم من این پیشنهاد را رد کردم برای اینکه اولاً اعتماد بهمکاری صدمیانه مرکز نداشتیم نازنای در خودم این صفت مستعار خوردن و خوراندن را سراغ نداشتم (صحیح است . احسنت) ثالثاً به من تکلیف شد که آقای ابوالقاسم خان را بجای خودم از چهارمحال و بختیاری بنمایند کی مجلس شورای ملی انتخاب نمایم که بعقيده من برخلاف مصلحت محل بود من این پیشنهاد را نینهیر قدم و در عرض پیشنهاد های مفید دیگری کردم که یکی از آنها این بود که هر کسی را از این ۱۵ میلیون سکنه ایران که مایلند بحکومت بختیاری منصوب فرماندهی و نهاد از فرستادن این یکشنبه صرف نظر نمایند بدلت وظیفه من نبود ولی وظیفه و حق نمایندگی من بود که بطوط منفی اظهار نظر نموده و دولت را متوجه افکار عمومی نمایم (صحیح است) و عواقب و خدمی را که این تصمیم در برداشت گوشزد ننم ، در این زمینه آنچه لازمه گشتوش و جدیت بود نمودم ولی بجهانی نرسید ، محل مدته بدون سریرست و مردم بلا تکلیف ماندند تا بعد تصمیم آقای نخست وزیر دائز باعزم مجدد ابوالقاسم بن ابلاغ شددر تمام این مدت نهاد جواب در مقابل اعترافات شدید من این بود که این شخص خدمت کرده و اطاعت امر دولت را نموده و چون پرونده هائی دارد بایستی یا حکومت بختیاری و یا نماینده چهارمحال و بختیاری باشد اینجاهم معلوم شد که شرط اول حکومت سوء سابقه پرونده های قطور و کثیف داشتن است .

شماره ۲۶-۹-۳	۲۶۶۲۷-۱۱۷۵۰	آقای محمد تقی مشکوری سردفتر ازدواج شهر مشهد	شماره ۲۶-۸-۲۵	۲۵۶۹۵-۱۲۰۱۸	آقای محمد تقی تهرانی سر دفتر ازدواج تهران	شماره ۲۶-۸-۱۴	۲۵۵۵۱-۱۱۵۷۳	آقای محمد رضا مدنی سردفتر اسناد رسمی ازدواج و طلاق رفسنجان
		بموجب این ابلاغ بعلت غیبت بدون اجازه و ترک محل از تصدی دفتر ازدواج معاف نمیشود وزیر دادگستری			بموجب این ابلاغ دفتر شمارا در شهر تهران مجدداً براسن ثبت طلاق رسمیت میدهد وزیر دادگستری			بموجب این ابلاغ محل رسمیت دفاتر شهابشهر کرمان تبدیل نمیشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید.
شماره ۲۶-۹-۴	۲۶۶۱۷-۱۱۹۱۶	آقای سید رضا موسوی سردفتر ازدواج دهستان سلطگی و سفلی فهادن	شماره ۲۶-۹-۴	۲۶۶۱۵-۱۲۴۷۲	آقای محمد احمدی سردفتر ازدواج و طلاق شهر کرمان	شماره ۲۶-۸-۲۶	۲۴۷۶۰-۱۱۶۸۱	آقای زینال معینی
		بموجب این ابلاغ بعلت عدم اشتغال بکار در محل مأموریت از تصدی دفتر ازدواج و طلاق معاف نمیشود وزیر دادگستری			بموجب این ابلاغ بعلت غیبت بدون اجازه و ترک محل کار از تصدی دفاتر ازدواج و طلاق معاف نمیشود وزیر دادگستری		۲۴۷۶۰-۱۱۶۸۱	بموجب این ابلاغ دفاتر شما را در قصبه تکاب مراغه برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد وزیر دادگستری
شماره ۳۲۶-۸-۲۶	۲۵۷۵۵-۱۱۶۷۹	آقای محمد علی پیشه‌هاز سردفتر ازدواج و طلاق شهرستان رشت	شماره ۲۶-۸-۲۶	۲۴۷۶۶-۱۱۵۱۰	آقای محمد علی حجت انصاری	شماره ۲۶-۸-۲۵	۲۵۶۱۷-۱۲۰۱۹	آقای علی شیروانی اردبیلی سردفتر ازدواج تهران
		نظر باینکه برایر گزارش و اصله تحت تعقیب دادگاه انتظامی سر دفتران واقع شده اید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی شما را از تصدی دفتر طلاق معلق ننمایید وزیر دادگستری			بموجب این حکم بست سردفتری اسناد رسمی درجه سوم قصبه آستانه گیلان منصوب نمیشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید.			بموجب این ابلاغ دفتر شمارا در تهران مجدداً برای ثبت طلاق رسمیت میدهد وزیر دادگستری
شماره ۲۶-۸-۱۴	۲۵۵۴۱-۱۱۸۲۴	آقای محمد صادق هر عشی سردفتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق کشکوئیه کرمان	شماره ۲۶-۹-۳	۲۶۶۱۹-۱۱۱۱۳	آقای محمد ابراهیم عارفی سردفتر اسناد رسمی خود	شماره ۲۶-۸-۲۶	۲۴۷۷۰-۱۰۰۱۶	آقای اسدالله هذلظری
		بموجب این ابلاغ محل رسمیت دفاتر شما را در قصبه کلامو و ابروقصبه قلمه نو خرقان دهستان کوهپایه پشت بسطام و فیوج و کلاته چتیع دهستان میامی شاهروند برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد وزیر دادگستری			نظر باینکه برایر گزارش و اصله تحت تعقیب دادگاه انتظامی سر دفتران واقع شده اید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون دفتر اسناد رسمی شما را از تصدی دفتر اسناد رسمی معلق ننمایید وزیر دادگستری			بموجب این ابلاغ دفاتر شمارا در قراء چهار
شماره ۲۶-۸-۲۶	۲۴۷۶۲-۱۱۶۷۲	آقای زینال معینی	شماره ۲۶-۹-۳	۲۶۶۲۱-۱۲۰۳۹	آقای محمد حسین لیقی سردفتر ازدواج و طلاق قریه انگوران بخش ۶ زنجان	شماره ۲۶-۹-۳	۲۶۶۲۳-۱۲۰۳۶	آقای اسدالله علائی
		بموجب این حکم بست سردفتری اسناد رسمی درجه سوم قصبه تکاب مراغه منصوب نمیشود طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید وزیر دادگستری			بموجب این ابلاغ استعمالی شما از تصدی دفاتر ازدواج و طلاق پذیرفته نمیشود وزیر دادگستری			بموجب این ابلاغ دفاتر شمارا در شهر سقز برای ثبت ازدواج و طلاق رسمیت میدهد وزیر دادگستری